



The Role of the Shanghai Cooperation Organization in Afghanistan

نقش سازمان شانگهای در افغانستان

Mohammad Musa Sadeqi¹

محمد موسی صادقی^۱

Abstract

چکیده

This article examines the role of the Shanghai Cooperation Organization (SCO) in Afghanistan's developments. Emphasizing shared social and ideological identities—such as countering security threats—the organization seeks to safeguard the common interests of its members in Afghanistan. The primary objective of this paper is to analyze the role of the SCO in Afghanistan after 2001. The central question is: What role has the SCO played in Afghanistan over the past two decades, and what challenges has it faced in this regard? It appears that Afghanistan holds special significance for the SCO member states; therefore, the organization has sought to play an active role in the country. However, it has faced serious challenges in this endeavor. Findings of this study, based on a descriptive-analytical method, indicate that the SCO's role and performance in Afghanistan have been influenced by conflicting interests, identity and geopolitical shifts among member states, as well as the extensive presence of the United States and its allies. Consequently, although the SCO has the potential to become an influential actor in Afghanistan's stability and development, its role so far has been limited and largely symbolic.

این مقاله به بررسی نقش سازمان همکاری شانگهای در تحولات افغانستان می پردازد. این سازمان با تاکید بر هویت های اجتماعی و معنایی مشترک، نظیر مقابله با تهدیدات امنیتی، تلاش دارد تا منافع مشترک اعضای خود را در افغانستان تامین کند. بررسی و تحلیل نقش سازمان همکاری شانگهای در افغانستان پس از ۱۳۸۰، هدف اصلی این مقاله است. پرسش اصلی این است که سازمان همکاری شانگهای در بیست سال گذشته در افغانستان، چه نقشی داشته و در این راستا با چه چالش هایی مواجه بوده است؟ به نظر می رسد، افغانستان برای کشورهای عضو این سازمان، از ارزش خاصی برخوردار است و به همین دلیل، شانگهای تلاش داشت تا نقش فعال در این کشور داشته باشد، اما در این عرصه با چالش هایی جدی مواجه بوده است. یافته های این مقاله با بهره گیری از روش تحلیلی - توصیفی، نشان می دهد که نقش و عملکرد این سازمان در افغانستان، تحت تاثیر تضاد منافع و تغییرات هویتی و ژئوپلیتیکی میان اعضای سازمان و نیز حضور همه جانبه ای آمریکا و متحدان آن قرار داشت. در نتیجه، اگرچه شانگهای ظرفیت تبدیل شدن به یک بازیگر تاثیرگذار در ثبات و توسعه ی افغانستان را دارد، اما این نقش تاکنون محدود و بیش تر نمادین است.

Keywords: Shanghai Cooperation Organization, Political Stability, Narcotics, Regional Security, Afghanistan.

واژگان کلیدی: سازمان شانگهای، ثبات سیاسی، مواد مخدر، امنیت منطقه ای، افغانستان.

Cite this article: Sadeqi, Mohammad Musa. (2025). The Role of the Shanghai Cooperation Organization in Afghanistan. Rana Academic & Research Journal. Volume 9. Issue 01. pp 80 - 100

ارجاع به این مقاله: صادقی، محمد موسی. (۱۴۰۴). نقش سازمان شانگهای در افغانستان. فصل نامه ی علمی - تحقیقی رنا. دوره ی نهم. شماره ی اول. صص: ۸۰ - ۱۰۰

¹. Faculty Member of Rana University, Kabul, Afghanistan

^۱ عضو کادر علمی پوهنتون رنا، کابل، افغانستان

افغانستان پس از سال ۱۳۸۰ ه.ش، محور توجه قدرت‌های بزرگ و نهادهای بین‌المللی قرار گرفت. موقعیت ژئوپلیتیک این کشور، همسایگی با قدرت‌های مانند چین، ایران، پاکستان و آسیای مرکزی سبب شده است که قدرت‌های بزرگ و نهادهای مهم بین‌المللی، با افغانستان وارد تعامل شده و حضور فعال داشته باشند. یکی از سازمان‌های بین‌المللی فعال در افغانستان، سازمان هم‌کاری شانگهای است؛ سازمانی که در سال ۱۳۸۰ ه.ش تاسیس شده و در کم‌ترین زمان، به یکی از بازیگران کلیدی در تحولات منطقه‌ای و جهانی تبدیل شده است (انوری، ۱۳۸۰: ۶۳). در تاسیس این سازمان، کشورهای چون قزاقستان، چین، قرقیزستان، روسیه، تاجیکستان و اوزبیکستان نقش داشته‌اند. شانگهای در ۲۰ سال گذشته، تعامل جدی با افغانستان داشت و تلاش می‌کرد نقش بارز در عرصه‌های سیاسی و امنیتی، اقتصادی و فرهنگی در این کشور داشته باشد.

پرسش اصلی این است که سازمان هم‌کاری شانگهای در بیست سال گذشته در افغانستان چه نقشی داشته و در این راستا با چه چالش‌هایی مواجه بوده است؟ به نظر می‌رسد، افغانستان برای کشورهای عضو سازمان هم‌کاری شانگهای از جذابیت خاصی برخوردار بود و به همین دلیل، این سازمان تلاش داشت تا نقش فعال در این کشور داشته باشد، اما در این عرصه با چالش‌هایی جدی مواجه بوده است. هدف اصلی این مقاله، بررسی و تحلیل نقش سازمان هم‌کاری شانگهای در افغانستان پس از ۱۳۸۰ ه.ش است. نگارنده تلاش می‌کند تا فعالیت‌های سازمان را در افغانستان، بررسی و از عمل‌کرد تا موفقیت آن را روشن سازد. هم‌چنین، مقاله به دنبال روشن کردن این مسئله است که سازمان هم‌کاری شانگهای در افغانستان با چه چالش‌هایی مواجه بوده و موانع تحقق اهداف آن چیست.

با توجه به گسترش هم‌کاری‌های منطقه‌ای برای حل چالش‌های بزرگ، مطالعه‌ی عمل‌کرد و نقش سازمان هم‌کاری شانگهای در افغانستان می‌تواند اهمیت خاصی داشته باشد؛ مسئله‌ای که روند هم‌کاری و هم‌گرایی منطقه‌ای و چالش‌های آن را به خوبی نمایان کرده و میزان موفقیت و یا ناکامی سازمان هم‌کاری شانگهای در افغانستان را روشن می‌سازد. این تحقیق با بهره‌گیری از روش توصیفی - تحلیلی انجام شده و با استفاده از منابع کتاب‌خانه‌ای، اسناد رسمی، مقالات علمی و گزارش‌های معتبر بین‌المللی، به بررسی نقش سازمان هم‌کاری شانگهای در افغانستان پرداخته است. اطلاعات گردآوری شده، پس از تحلیل محتوایی، به منظور تبیین عمل‌کرد سازمان و ارزیابی چالش‌های پیش‌روی آن در افغانستان، مورد استفاده قرار گرفته‌اند.

در خصوص رابطه‌ی افغانستان و سازمان هم‌کاری شانگهای، مقاله‌های متعددی نوشته شده است. در زیر به شماری از نوشته‌های مرتبط به این موضوع، پرداخته خواهد شد:

ماندانا تیشه‌یار و الهه کولایی (۱۳۸۱)، در مقاله‌ی تحت عنوان نقش امنیت‌ساز سازمان هم‌کاری شانگهای پیرامون افغانستان، تلاش کرده‌اند نشان دهند که سازمان هم‌کاری شانگهای، به عنوان یک نهاد نوظهور منطقه‌ای، ظرفیت بالقوه برای مدیریت تهدیدات مشترک امنیتی از جمله تروریسم و قاچاق مواد مخدر در منطقه دارد. در این تحقیق، نگاه راهبردی کشورهای عضو سازمان، به‌ویژه چین، روسیه و کشورهای آسیای مرکزی نسبت به تحولات افغانستان، مورد تحلیل قرار گرفته و بر این نکته تأکید شده که ثبات در افغانستان برای امنیت جمعی اعضای سازمان یک ضرورت است. این مقاله از نخستین مطالعات مهم در حوزه‌ی روابط افغانستان و سازمان هم‌کاری شانگهای به‌شمار می‌رود و زمینه‌ی نظری برای تحلیل‌های بعدی درباره‌ی نقش نهادهای منطقه‌ای در ثبات افغانستان فراهم می‌سازد.

علیرضا انصاری کارگر (۱۴۰۳)، یک نوشته‌ی جدید به نام بررسی نقش سازمان هم‌کاری شانگهای بر هم‌گرایی منطقه‌ای امارت اسلامی افغانستان دارد. نویسنده در این تحقیق، با بهره‌گیری از روش تبیینی - تحلیلی، تلاش کرده است به این پرسش پاسخ دهد که سازمان شانگهای چه نقشی در تسهیل یا تقویت هم‌گرایی منطقه‌ای امارت اسلامی دارد. بر اساس یافته‌های این مقاله، شانگهای از سیاست‌های ضد داعش امارت اسلامی به عنوان یک فرصت برای تعامل امنیتی، سیاسی و اقتصادی استفاده می‌کند. هم‌چنین در مقاله تأکید شده است که عدم حضور ایالات متحده آمریکا در

ساختارهای منطقه‌ای، فرصت بیش‌تر برای نزدیکی کشورهای عضو سازمان به امارت اسلامی افغانستان فراهم کرده است. رویکرد سازمان نسبت به افغانستان در مبارزه با تروریسم، قاچاق مواد مخدر و ایجاد ثبات منطقه‌ای از مهم‌ترین محورهای تحلیل در این مقاله است. این مقاله از این جهت ارزشمند است که به صورت خاص، دوره‌ی پس از سقوط جمهوری و روی کار آمدن امارت اسلامی را بررسی کرده و تحولات اخیر را در چارچوب نظریه‌های هم‌گرایی منطقه‌ای و مشروعیت سیاسی تحلیل کرده است.

الهه کولایی (۱۳۸۵)، نوشته‌ای تحت عنوان سازمان شانگهای و امنیت آسیای مرکزی دارد. این مقاله به بررسی نقش سازمان شانگهای در تامین امنیت در آسیای مرکزی می‌پردازد و به‌طور ویژه به تهدیدهای مشترکی چون تروریسم و قاچاق مواد مخدر اشاره می‌کند. کولایی در این مقاله با تحلیل جهت‌گیری امنیتی سازمان، نشان می‌دهد که شانگهای تنها یک سازمان امنیتی نیست، بلکه چارچوبی برای تقویت هم‌کاری چندجانبه میان قدرت‌های منطقه‌ای نظیر چین، روسیه و کشورهای آسیای مرکزی به‌شمار می‌رود. گرچه تمرکز مقاله بر آسیای مرکزی است، اما از آن‌جایی که افغانستان به صورت مستقیم با این منطقه مرتبط است و به‌ویژه از سال ۱۳۸۴ به بعد در تعامل با این سازمان قرار گرفته، این مقاله به عنوان مبنای نظری برای درک نگاه امنیت‌محور سازمان شانگهای نسبت به افغانستان نیز قابل استفاده است.

با در نظر داشت مطالب فوق، تحقیق حاضر یک ابتکار جدید به‌شمار می‌رود که نقش سازمان هم‌کاری شانگهای را در افغانستان مطالعه کرده است. نویسنده تلاش کرده افزون بر بررسی دلایل جذابیت افغانستان برای اعضای سازمان، نقش شانگهای در امور افغانستان را نیز تحلیل نماید. این مسئله، می‌تواند یکی از جنبه‌های جدید این تحقیق باشد. این مقاله در هفت بخش تنظیم شده است؛ پس از مقدمه، مبانی نظری و ادبیات تحقیق مورد بررسی قرار می‌گیرد. سپس، تاریخ‌چه‌ی سازمان هم‌کاری شانگهای معرفی می‌شود. به دنبال آن، دلایل جذابیت افغانستان برای اعضای سازمان و عمل‌کرد سازمان در افغانستان تحلیل شده و در اخیر، نتیجه‌گیری نهایی و پیشنهادات صورت گرفته است.

چارچوب نظری

برای تحلیل بهتر نقش سازمان شانگهای در افغانستان، بهره‌گیری از چارچوب‌های نظری در حوزه‌ی روابط بین‌الملل ضروری به نظر می‌رسد. نظریه‌ی سازه‌انگاری یکی از چارچوب‌های مناسب برای بررسی رفتار سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای است. این نظریه که برخلاف نظریه‌های واقع‌گرایی و لیبرالیسم که بیش‌تر بر مولفه‌های مادی تأکید دارند، به مولفه‌های معنایی، هویتی و اجتماعی توجه ویژه دارد، می‌تواند ابزار مناسب برای تحلیل نقش سازمان هم‌کاری شانگهای در افغانستان باشد. نظریه‌ی سازه‌انگاری از سه اصل کلیدی برخوردار است (سازمند، ۱۳۸۴: ۴۱)، که به شرح زیر توضیح داده می‌شود:

هویت به عنوان یک امر برساخته: به باور سازه‌انگاران، ساختارهای فکری و هنجاری به اندازه‌ی ساختارهای مادی اهمیت دارند؛ زیرا این ساختارها، نظام‌هایی با معنا هستند که نوع رفتار بازیگران را در محیط مادی تفسیر می‌کنند. به عبارت دیگر، سازه‌انگاران معتقدند که نظام ارزشی و عقیدتی جوامع همان تأثیر را در رفتار سیاسی دارند که ساختارهای مادی دارند. از نگاه آنان، محیطی که دولت‌ها در آن به کنش می‌پردازند، اجتماعی و هم مادی است و این محیط می‌تواند درک دولت‌ها از منافع و نقش آن‌ها را شکل دهد و بر اساس آن، رفتار سیاست خارجی آن‌ها را تعیین کند (هادیان، ۱۳۸۰: ۵). از منظر سازه‌انگاری، هویت‌ها و ساختارهای معنایی در سیاست خارجی دولت‌ها و سازمان‌ها تأثیرگذار هستند. سازمان شانگهای به عنوان یک سازمان منطقه‌ای، مبتنی بر هویت‌های مشترک اعضای خود از جمله مقابله با تهدیدات امنیتی، افراط‌گرایی، تروریسم و قاچاق مواد مخدر شکل گرفته است. این سازمان تلاش دارد، هنجارهای جدیدی را در منطقه نهادینه کند که از جمله آن‌ها می‌توان به گسترش هم‌کاری‌های اقتصادی، امنیتی و سیاسی اشاره کرد.

نقش هویت در تعیین منافع و سیاست کشورها: هویت و نقش آن در شکل‌گیری منافع و کنش‌های دولت‌ها، دومین فرضیه‌ی مهم سازه‌انگاران است. از نظر آنان، هویت‌های اجتماعی که از دیدگاه دولت‌ها نسبت به خود و دیگران و

ساختار مادی و اجتماعی آن‌ها شکل می‌گیرد، تاثیر زیاد بر شکل‌گیری منافع و رفتار سیاست خارجی دولت‌ها دارد (رحمانی تیرکلاهی، ۱۴۰۲: ۵۵). از منظر سازه‌انگاری، هنجارها و نقش‌های اجتماعی در تعیین رفتار بازیگران بین‌المللی موثر هستند. سازمان هم‌کاری شانگهای با ترویج هنجارهایی چون چندجانبه‌گرایی، عدم مداخله در امور داخلی کشورها، احترام به حاکمیت ملی و هم‌کاری برای توسعه‌ی پایدار، تلاش دارد نقش مثبت در منطقه ایفا کند. این هنجارها در سیاست‌های این سازمان در افغانستان نیز به وضوح قابل مشاهده هستند.

رابطه‌ی متقابل میان کارگزار و ساختار: سازه‌انگاران باور دارند که کارگزاران و ساختارها به‌طور متقابل به یک‌دیگر شکل می‌دهند. به عبارت دیگر، ساختارهای هنجاری و فکری می‌توانند هویت‌ها و منافع کنش‌گران را تحت تاثیر قرار دهند، اما اگر رفتارهای قابل شناسایی کنش‌گران وجود نداشت، این ساختارها نیز معنا نداشتند (قوام و جاودانی مقدم، ۱۳۸۶: ۹۴). بنابراین، سازه‌گرایان به تعامل میان کارگزاران و ساختارها تاکید دارند و در برابر خردگرایی و روش‌شناسی‌های نوواقع‌گرایی و نیولیبرالیستی موضع‌گیری می‌کنند.

در نظریه‌ی سازه‌انگاری، ساختار و کارگزار بر سیاست خارجی کشورها تاثیر دارند، اما هیچ‌کدام بر دیگری برتری ندارند و نمی‌توان این تاثیرگذاری‌ها را از هم جدا کرد. سازه‌انگاران «ترجیح می‌دهند تا ساختار و کارگزار را به مثابه‌ی دو فلز درون یک آلیاژ بنگرند که سکه از آن تهیه شده است. از این رو، ساختار و کارگزار، اگرچه به لحاظ نظری تفکیک‌پذیرند، در عمل کاملاً درهم تنیده هستند. ما نمی‌توانیم با نگاه کردن به سکه، فلزهای موجود در آن آلیاژ را بنگریم، بلکه می‌توانیم حاصل آن آمیختگی‌شان را ببینیم. ویژگی آن سکه، نه تنها از مجموعه فلزهای سازنده‌اش (ساختار و کارگزار)، بلکه از تعامل شیمیایی پیچیده‌ی شان نیز ناشی می‌شود» (مارش و استوکر، ۱۳۹۰: ۳۱۹).

نظریه‌ی سازه‌انگاری بر تعامل متقابل میان کارگزار (دولت‌ها) و ساختار (سازمان‌ها) تاکید دارد. از این منظر، سازمان شانگهای نه تنها تحت تاثیر هویت و منافع اعضای خود قرار دارد، بلکه خود نیز با تولید هنجارها و قواعد جدید، رفتار اعضا را شکل می‌دهد. به عبارت دیگر، این سازمان یک ساختار معنایی است که در جهت‌دهی به سیاست‌های اعضا در قبال مسایل منطقه‌ای و بین‌المللی، از جمله افغانستان، نقش کلیدی دارد. از نظر سازه‌انگاران، اگرچه منافع دولت‌ها از پیش تعیین شده نیست، بلکه یک امر برساخته‌ی اجتماعی است که بر اساس هویت دولت‌ها تشکیل می‌شود، با آن‌هم، آنان چهار نوع منافع ملی را تشخیص می‌دهند که دولت‌ها به دنبال آن‌ها هستند: بقای فیزیکی، خودمختاری، رفاه اقتصادی و احترام به نفس جمعی (مارش و استوکر، ۱۳۹۰: ۳۴۱).

بقای فیزیکی در نظر ونت به بقای افرادی اشاره دارد که یک مجموعه‌ی دولت - جامعه را تشکیل می‌دهند، اما از آن‌جا که هیچ فردی برای هویت یک جمع اهمیت ضروری ندارد. منظور از بقای فیزیکی، بقای مجموعه است. افراد و حتی بخش‌هایی از جمع ممکن است در راه این هدف قربانی شوند. امروزه با توجه به این‌که بقا به شکلی فزاینده با حفظ سرزمین موجود یکی گرفته می‌شود، بنابراین، بقای فیزیکی برای دولت عبارت است از حفظ تمامیت ارضی و وحدت سرزمینی کشورها.

خودمختاری عبارت است از توانایی مجموعه‌ی دولت - جامعه برای اعمال کنترل بر توزیع منابع و انتخاب حکومت. برای این‌که دولت - جامعه بتواند هویت خود را بازتولید کند، صرفاً بقا کافی نیست، باید آزادی خود را نیز حفظ کند. این ناشی از واقعیت حاکمیت دولت است. در واقع می‌توان ادعا کرد که همه‌ی سازمان‌ها و نه فقط دولت‌ها منافع‌شان در خودمختاری است؛ زیرا بدون آن در توانایی‌شان برای تامین تقاضاهای درونی یا پاسخ به شرایط محیط، محدودیت ایجاد می‌شود. از سوی دیگر، خودمختاری همیشه امری است نسبی و می‌توان در شرایطی که مزایای وابستگی بیش‌تر از هزینه‌های آن است، آن را فروخت.

رفاه اقتصادی ناظر بر حفظ شیوه‌ی تولید در یک جامعه است و در معنای موسع، حفظ بنیان منابع دولت، رشد و رفاه اقتصادی، جزو منافع ملی کشورها و در نتیجه تابع هویت نوعی تاریخی و مشروط است و نه هویت جمعی پیکروار دولت‌ها (همان، ۱۳۹۰: ۳۴۴). در نهایت، احترام به نفس جمعی عبارت است از نیاز گروه به این‌که احساس خوبی نسبت

به خود داشته باشد؛ یعنی نیاز به احترام یا منزلت. احترام به نفس از نیازهای پایه‌ای انسانی افراد است و یکی از چیزهایی است که افراد با عضویت در گروه‌ها به دنبال تامین آن هستند. گروه‌ها نیز به عنوان تجلیات این خواست، این نیاز را به دست می‌آورند (همان، ۱۳۹۰: ۳۴۴).

بنابراین، نظریه‌ی سازه‌انگاری در روابط بین‌الملل بر اهمیت هویت، هنجارها و ساختارهای معنایی در شکل‌دهی به سیاست خارجی دولت‌ها تاکید دارد. این نظریه برخلاف رویکردهای واقع‌گرایانه و لیبرالیستی، بر مولفه‌های اجتماعی و هویتی در تحلیل رفتار کشورها و سازمان‌های بین‌المللی تمرکز می‌کند. سازمان هم‌کاری شانگهای با ترویج هنجارهایی چون چندجانبه‌گرایی، احترام به حاکمیت ملی و هم‌کاری برای توسعه‌ی پایدار، سعی دارد منافع مشترک اعضای خود را در زمینه‌های امنیتی، اقتصادی و سیاسی تامین کند. سازه‌گرایان معتقدند که هویت‌ها و منافع ملی دولت‌ها بر اساس هویت‌های اجتماعی و ساختارهای معنایی شکل می‌گیرند و این تأثیرات متقابل بین دولت‌ها و سازمان‌ها می‌تواند سیاست‌های بین‌المللی مانند سیاست اعضای این سازمان در افغانستان را توضیح دهد.

۱. تاریخ‌چه‌ی سازمان شانگهای

سازمان شانگهای به عنوان یکی از نهادهای مهم بین‌المللی، با هدف تقویت هم‌کاری‌های امنیتی، اقتصادی و فرهنگی میان کشورهای عضو، به‌ویژه در زمینه‌ی مبارزه با تروریسم، افراط‌گرایی و جدایی‌طلبی شکل گرفته است. این سازمان در سال ۱۳۸۰ ه.ش در شهر شانگهای چین توسط جمهوری قزاقستان، جمهوری خلق چین، جمهوری قرقیزستان، جمهوری فدراتیو روسیه، جمهوری تاجیکستان و جمهوری اوزبیکستان تأسیس شد. منشور این سازمان در سال ۱۳۸۱ ه.ش در نشست شورای سران کشورها در سن‌پترزبورگ امضا و از ۱۳۸۳، لازم‌الاجرا شد. این منشور، سازمان هم‌کاری شانگهای را به عنوان یک شخصیت حقوقی در نظام بین‌الملل معرفی کرد (رحمانی موحد و انوری، ۱۳۸۹: ۱۰).

تاریخ‌چه‌ی تأسیس این سازمان، شامل سه مرحله‌ی اصلی است. مرحله‌ی نخست (۱۹۷۵-۱۳۸۰) به سال‌های تأسیس «گروه شانگهای پنج» باز می‌گردد. این گروه شامل کشورهای روسیه، چین، قزاقستان، قرقیزستان و تاجیکستان بود که در سال ۱۳۷۵ ه.ش به‌منظور تقویت اعتماد نظامی در نواحی مرزی تشکیل شد. در این دوره، توافق‌هایی درباره‌ی ممنوعیت تمرین‌های نظامی در مرزهای مشترک، جلوگیری از حملات نظامی متقابل و مبارزه با جرایم سازمان‌یافته شکل گرفت. هم‌چنین اوزبیکستان در سال ۱۳۸۰ ه.ش به عنوان عضو ناظر به این گروه پیوست (خلیلی و زارعی‌هدک، ۱۳۹۰: ۱۲۸-۱۳۰).

مرحله‌ی دوم (۱۳۸۰-۱۳۸۳) با حل مشکلات مرزی و گسترش هم‌کاری‌های امنیتی و اقتصادی آغاز شد. در ششمین نشست سران که در ۱۳۸۰ ه.ش، در شانگهای برگزار شد، کشورهای عضو درباره‌ی موضوعات منطقه‌ای و بین‌المللی توافق‌نامه‌هایی در زمینه‌ی مبارزه با تروریسم، افراط‌گرایی دینی و قاچاق مواد مخدر و سلاح به امضا رساندند. در نهایت، در همین سال، سازمان هم‌کاری شانگهای به‌طور رسمی تأسیس شد (رحمانی موحد و انوری، ۱۳۸۹: ۱۰). مرحله‌ی سوم، از سال ۱۳۸۴ ه.ش تاکنون، شامل گسترش حوزه‌ی فعالیت‌های سازمان و پذیرش اعضای جدید است. در سال ۱۳۹۴، هند و پاکستان به عنوان اعضای کامل پذیرفته شدند و در سال ۱۴۰۰ ه.ش، جمهوری اسلامی ایران به عنوان نهمین عضو به این سازمان پیوست (VOA News, 1400). افزون بر اعضای اصلی، افغانستان، مغولستان و بلاروس به عنوان اعضای ناظر و ۱۴ کشور دیگر از جمله ترکیه، ارمنستان، آذربایجان، قطر، مصر و عربستان سعودی به عنوان شرکای گفت‌وگوی این سازمان فعالیت می‌کنند.

دولت جمهوری اسلامی افغانستان از سال ۱۳۸۳ ه.ش، به عنوان مهمان در اجلاس‌های سازمان هم‌کاری شانگهای حضور پیدا کرد و در اجلاس سران در پکن در سال ۱۳۹۱ ه.ش به عنوان عضو ناظر (بدون برخورداری از حق رای) پذیرفته شد. این کشور پس از پذیرش به عنوان عضو ناظر، تمایل خود را به تغییر عضویت در این سازمان نشان داد و در سال ۱۳۹۴ ه.ش، رسماً تقاضای تغییر عضویت از ناظر به اصلی را مطرح کرد. هرچند این تقاضای دولت افغانستان بنا به دلایل و ملاحظات مختلفی هنوز مورد پذیرش سازمان قرار نگرفته است (کوزه‌گر کالچی، ۱۳۹۹). برای عضویت دایم

افغانستان در سازمان همکاری شانگهای، وزارت امور خارجه‌ی جمهوری اسلامی یک سلسله اقداماتی را در این راستا انجام داد که شامل موارد ذیل می‌گردد:

(۱) تهیه‌ی تحلیل جامع از جوانب عضویت افغانستان در سازمان همکاری‌های شانگهای؛

(۲) تهیه و ترجمه‌ی اسناد شرایط عضویت؛ و

(۳) تهیه‌ی منشور و تعدادی از توافق‌نامه‌های سازمان.

در صورتی که دولت جمهوری اسلامی افغانستان می‌توانست عضویت دایم سازمان همکاری شانگهای را کست نماید، قرار بود در مجموع ۲۷ موافقت‌نامه، پروتکل و یادداشت تفاهم را با آن سازمان به امضا برساند. عضویت افغانستان در سازمان همکاری شانگهای برای هردو طرف از اهمیت زیادی برخوردار است. تمایل افغانستان به عضویت دایم در سازمان همکاری شانگهای، نه تنها به دلایل مادی و امنیتی، بلکه به دلیل جست‌وجوی هویت و نقش جدید این کشور در نظام بین‌الملل قابل تحلیل است. افغانستان به عنوان کشوری درگیر جنگ و بحران، در تلاش بود تا با عضویت در سازمان‌های منطقه‌ای هم‌چون شانگهای، جایگاه خود را در میان کشورهای منطقه تثبیت کند. از دید سازه‌انگاره اگر به موضوع بنگریم، عضویت دایم در این سازمان، برای افغانستان به معنای مشروعیت‌بخشی به هویت ملی و بین‌المللی آن و هم‌چنین تأیید بازیگران منطقه‌ای به عنوان بخشی از نظم منطقه‌ای است. در عین حال، از دید سایر اعضای سازمان، پذیرش افغانستان به عنوان عضو دایم، می‌تواند تأثیری بر هویت و منافع سازمان داشته باشد. اعضای سازمان، به‌ویژه چین و روسیه، ممکن است از این منظر به مسئله نگاه کنند که آیا افغانستان با هنجارها و ارزش‌های سازمان همکاری شانگهای تطابق دارد و آیا عضویت آن می‌تواند به تقویت نقش هویتی سازمان در منطقه و نظام بین‌الملل کمک کند. بنابراین، فرآیند پذیرش افغانستان به عنوان عضو دایم، نه تنها مسئله‌ای فنی، بلکه بازتابی از تقابل هنجاری و هویتی میان افغانستان و سایر اعضا است.

۲. دلایل جذابیت افغانستان برای اعضای سازمان

اهمیت افغانستان برای سازمان همکاری شانگهای را می‌توان در بُعد هنجاری و هویتی بررسی کرد. سازمان همکاری شانگهای در تلاش است تا از طریق مبارزه با تهدیدهای مشترک، یک هویت منطقه‌ای قدرت‌مند و مستقل از هژمونی غرب، به‌ویژه ایالات متحده، بسازد. افغانستان در این زمینه، نقشی محوری دارد؛ چراکه این کشور به عنوان «محور نبرد جهانی علیه تروریسم» شناخته می‌شود. حضور گروه خطرناکی چون داعش در افغانستان، نه تنها تهدیدی امنیتی برای اعضای سازمان است، بل که نوعی چالش هنجاری برای هویت منطقه‌ای سازمان نیز به‌شمار می‌رود. در نتیجه، سازمان همکاری شانگهای با تعامل و همکاری نزدیک‌تر با افغانستان، می‌خواهد نشان دهد که توانایی مقابله با تهدیدهای منطقه‌ای را دارد و می‌تواند یک نظم منطقه‌ای مبتنی بر هنجارهای خود را شکل دهد.

از طرف دیگر، افغانستان نیز از منظر هویتی در پی تعریف جایگاه خود به عنوان کشور موثر در امنیت و ثبات منطقه‌ای است. تعامل با سازمان همکاری شانگهای به این کشور این فرصت را می‌دهد که خود را نه صرفاً به عنوان یک قربانی تروریسم، بل که به عنوان یک بازیگر فعال در مبارزه با افراط‌گرایی و خشونت معرفی کند. بنابراین، این تعامل در سطحی فراتر از همکاری‌های امنیتی، به بازتعریف هویت و نقش افغانستان در منطقه کمک می‌کند و هم‌زمان به سازمان همکاری شانگهای امکان می‌دهد تا نظم منطقه‌ای مبتنی بر هنجارهای ضد تروریسم خود را تقویت کند. افغانستان برای سازمان همکاری شانگهای از جذابیت خاصی برخوردار است. جذابیت این کشور برای سازمان به دلایل مختلف قابل توجه است؛ مبارزه با تروریسم و افراط‌گرایی، تجزیه‌طلبی، مواد مخدر و مبارزه با هژمونی خواهی امریکا، از دلایل اهمیت افغانستان برای سازمان همکاری شانگهای است.

فصلنامه‌ی

علمی - تحقیقی رنا

شماره (۱)

بهار ۱۴۰۴

۲/۱. مبارزه با داعش

مبارزه با تروریسم، مهم‌ترین دلیل تاسیس سازمان هم‌کاری شانگهای است. مسئله‌ی مبارزه با تروریسم اکنون به یک امر جدی در سیاست کلی کشورهای عضو سازمان شانگهای قرار دارد و بدین جهت افغانستان در کانون توجه آن کشورها است. اکنون بسیاری از کشورهای عضو سازمان شانگهای نگران گسترش تروریسم در قلمروشان هستند. از جانب دیگر، افغانستان از ۱۳۸۰ ه.ش تا کنون، کانون مبارزه با تروریسم جهانی است و این کشور سال‌ها است که در خط مقدم این نبرد قرار دارد و هم‌چنین مبارزه می‌کند.

افغانستان به دلیل وجود گروه افراطی و تروریستی چون داعش، از اهمیت بسیار بالایی برای سازمان هم‌کاری شانگهای برخوردار است. دعوت از افغانستان به عنوان مهمان از سال ۱۳۸۳ ه.ش، ارتقای موقعیت افغانستان از سطح گروه تماس به سطح ریاست‌های وزارت امور خارجه‌ی کشورهای عضو در سال ۱۳۸۸ ه.ش و پذیرش این کشور به عنوان عضو ناظر در سال ۱۳۹۱ ه.ش نیز به واسطه‌ی همین نگرانی و اهمیت تحولات افغانستان صورت پذیرفته است. مباحث متعددی که در سال‌های اخیر در رابطه با تاسیس پایگاه نظامی چین در بدخشان تاجیکستان، برگزاری چندین رزمایش مشترک امنیتی و انتظامی بین چین و تاجیکستان در مرز مشترک با افغانستان و نیز تقویت پایگاه موتوری ۲۰۱ روس‌ها در تاجیکستان صورت گرفته است به روشنی گویای عمق نگرانی روس‌ها، چینی‌ها و کشورهای آسیای مرکزی از روند تحولات امنیتی افغانستان است که قطعا در صورت عضویت کامل افغانستان در سازمان هم‌کاری شانگهای، این هم‌کاری‌های پراکنده‌ی امنیتی و انتظامی می‌تواند از انسجام و هماهنگی بیش‌تر برخوردار شود.

از جانب دیگر، حضور داعش یکی از تهدیدات جدی علیه امنیت ملی افغانستان است. این مسئله در رأس چالش‌های این کشور بوده و هم‌چنین پس از سقوط جمهوری اسلامی افغانستان و روی کار آمدن امارت اسلامی، این کشور در محور اساسی قرار گرفته است. بنابراین، هم‌کاری افغانستان با اعضای سازمان هم‌کاری شانگهای در امر مبارزه با تروریسم می‌تواند امنیت و ثبات در منطقه را تضمین نماید. این مسئله از محورهای مشترک دولت افغانستان و سایر اعضای شانگهای است. سیاست مبارزه با داعش توسط امارت اسلامی افغانستان، یک قدم به سوی هم‌گرایی با کشورهای منطقه است. در پنجمین نشست منطقه‌ای در مورد افغانستان موسوم به «فُرمِت مسکو» که در سال ۱۴۰۲ ه.ش، در شهر کازان روسیه برگزار شد و کشورهای منطقه از حکومت امارت اسلامی به‌خاطر مبارزه جدی با داعش قدردانی کردند (انصاری کارگر، ۱۴۰۳: ۷۹). این سیاست، می‌تواند مسیر هم‌گرایی میان افغانستان و کشورهای عضو شانگهای را بیش‌تر تقویت کند.

۲/۲. مبارزه با تجزیه‌طلبی

دومین تهدید متوجه اعضای سازمان هم‌کاری شانگهای و اعضای اصلی آن، تجزیه‌طلبی است. این تهدیدها در کشورهای عضو شانگهای، با اشکال و اندازه‌های متفاوتی وجود دارد. جدایی‌طلبی در کشورهای اعضای سازمان شانگهای بیش‌تر مبتنی بر قوم‌گرایی است؛ یعنی قوم‌گرایی مبنای جدایی‌طلبی قرار دارد. به‌طور نمونه، حدود دو میلیون قزاق در منطقه‌ی سین‌کیانگ چین سکونت دارند و حدود هشت میلیون اویغوری در این منطقه زندگی می‌کنند. این در حالی است که حدود ۲۵۰ هزار اویغوری نیز در قزاقستان، قرقیزستان و اوزبیکستان زندگی می‌کنند. اویغورها خواهان کسب استقلال از چین و ایجاد کشوری مستقل با عنوان «ترکستان شرقی» می‌باشند. این مسئله می‌تواند تهدید جدی علیه تمامیت ارضی کشورهای عضو سازمان هم‌کاری شانگهای باشد (حسینی، ۱۳۹۶). بدین لحاظ، افغانستان به دلیل داشتن مرز مشترک با ایالت اویغورنشین چین، برای کشورهای عضو سازمان هم‌کاری شانگهای اهمیت زیادی دارد. عضویت دایمی افغانستان در سازمان می‌تواند کشورهای عضو را در مبارزه با جدایی‌طلبی و گروه‌های جدایی‌طلب یاری رساند. اگرچه تجزیه‌طلبی هیچ اهمیتی برای دولت افغانستان نداشته و ندارد، اما موجودیت افغانستان در سازمان هم‌کاری شانگهای در مورد مبارزه با پدیده‌ی تجزیه‌طلبی در سایر کشورهای عضو می‌تواند تاثیر مثبت داشته باشد.

۲/۳. مبارزه با مواد مخدر

مبارزه با مواد مخدر از محورهای دیگری است که دولت افغانستان و سازمان همکاری شانگهای روی آن توافق کامل دارد. افغانستان به عنوان منبع تولید و کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای به عنوان مسیر ترانزیت مواد مخدر همیشه با تهدیدات جدی از این ناحیه مواجه بوده است. به لحاظ تاریخی و جغرافیایی تاجیکستان، قرقیزستان، قزاقستان، اوزبیکستان و ترکمنستان مناطقی جذاب و مناسب برای قاچاق مواد مخدر به حساب می آیند. این دولت ها در میان بزرگ ترین تولیدکنندگان مواد مخدر و مناسب ترین بازارهای مصرف؛ یعنی اروپای غربی واقع شده اند. این کشورها از یک طرف در همسایگی کشورهای هلال طلایی تولیدکننده، یعنی افغانستان، پاکستان و ایران قرار دارند و از سوی دیگر، از طرف چین به مثلث طلایی برمه، لائوس و تایلند که از بزرگ ترین تولیدکنندگان غیرقانونی تریاک هستند، وصل می شوند. تاجیکستان، ترکمنستان و اوزبیکستان به ترتیب ۱۲۰۶، ۷۴۴ و ۱۳۷ کیلومتر با افغانستان مرز مشترک دارند. ترکمنستان هم چنین ۹۹۲ کیلومتر با ایران دارای مرز می باشد. به این دلیل، آسیای مرکزی به عنوان مهم ترین مسیر عبور معامله ی غیرقانونی مواد مخدر به حساب می آید. مطابق آمارهای بین المللی، افغانستان بیش از ۸۷ درصد مواد مخدر جهانی را تولید می کند و با وجود این که در پیش گرفتن اقداماتی؛ از جمله حرام اعلام کردن آن توسط رهبر امارت اسلامی و استفاده از محصولات جایگزین مثل زعفران، هنوز این کشور در صدر بزرگ ترین تولیدکننده ی مواد مخدر محسوب می شود (نوابی، ۱۳۸۹).

بر این اساس، افزایش غیرقابل انکار کشت و تولید مواد مخدر در افغانستان، یکی از نگرانی های جدی اعضای سازمان شانگهای به حساب می رود. اعضای شانگهای اعتقاد دارند که مواد مخدر تولید شده در افغانستان، نه تنها فقط به اروپا صادر شده، بلکه در درون کشورهای منطقه نیز رسوب کرده و شماری زیادی از جوانان این حوزه به مواد مخدر و به ویژه هرویین آلوده شده اند. به طور نمونه، روسیه یکی از مسیرهای قاچاق مواد مخدر تولید شده در افغانستان به غرب اروپا است. سالانه بیش از ۳۰ تن هرویین از افغانستان به روسیه قاچاق می شود که فقط ۱۰ درصد از این مقدار، توسط نیروهای مبارزه با مواد مخدر روسیه کشف و ضبط می گردد و ۹۰ درصد باقی مانده در روسیه به مصرف می رسد. کشورهای سازمان همکاری شانگهای بر این نکته واقف اند که بدون حضور و مشارکت موثر افغانستان و هماهنگی کامل این کشور با مصوبات و طرح های سازمان همکاری شانگهای برای مقابله با کشت و قاچاق گسترده مواد مخدر، قادر به رفع این تهدید نخواهند بود؛ زیرا از این منظر نیز افغانستان برای کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای بسیار مهم و کلیدی است و سازمان نمی تواند در روند گسترش افقی (افزایش اعضا) و عمودی (تعریف کارویژه ها) افغانستان را نادیده بگیرد.

فصلنامه ی

علمی - تحقیقی رنا
شماره (۱)
بهار ۱۴۰۴ هـ

هماهنگی امارت اسلامی افغانستان با اعضای سازمان همکاری شانگهای در امر مبارزه با مواد مخدر، روابط دو طرف را نزدیک ساخته و زمین یه هم کاری بیشتر میان طرفین را افزایش می دهد. امارت اسلامی افغانستان از زمان تسخیر قدرت در تابستان ۱۴۰۰، دو ممنوعیت شدید علیه مواد مخدر اعلان کرد؛ در ماه ثور ۱۴۰۱ هـ.ش، کشت و تولید تریاک و استفاده و تجارت و حمل و نقل کلیه انواع مواد مخدر ممنوع شد. یک سال بعد، در حمل ۱۴۰۲ هـ.ش، ممنوعیت دیگری به ویژه بر کشت و تولید چرس یا حشیش وضع کردند. تصاویر ماهواره ای از سازمان السیس مستقر در بریتانیا نشان می دهد که یک کاهش چشم گیری (۹۵٪) در کشت کوکنار یا خشخاش در سال ۱۴۰۲ هـ.ش به وقوع پیوسته است (بلیسا و فوسکینی، ۱۴۰۲). این امر، روی روابط افغانستان و اعضای سازمان همکاری تاثیرات مثبت داشته است.

۲/۴. مبارزه با هژمونی خواهی ایالات متحده

جغرافیای افغانستان در طول تاریخ محل تلاقی منافع قدرت های بزرگ بوده است. در دوران بازی بزرگ، رقابت بین بریتانیای کبیر و روسیه ی تزاری، در دوران جنگ سرد، رقابت شدید بین امریکا و اتحاد جماهیر شوروی و در زمان حاضر که به نحوی به نام دوران «بازی بزرگ جدید» یاد می شود، افغانستان در محور توجه قدرت های بزرگ جهانی بوده

است. بدین لحاظ، ژئوپلیتیک افغانستان از اهمیت خاصی در سیاست‌های جهانی برخوردار است. مسایل امنیتی پیچیده و چندلایه‌ی افغانستان، مناسبات امریکا با افغانستان و پاکستان، تداوم رقابت‌های هند و پاکستان به عنوان دو عضو اصلی سازمان در افغانستان و حضور رو به افزایش داعش در این کشور، مسایلی است که اهمیت افغانستان را برای سازمان هم‌کاری شانگهای دو چندان می‌کند (کوزه‌گر کالجی، ۱۳۹۶). حضور بیست‌ساله‌ی امریکا در افغانستان، نگرانی جدی را برای کشورهای عضو سازمان؛ به‌خصوص چین و روسیه خلق کرده بود. اگرچه موجودیت امریکا در افغانستان، کشورهای منطقه را در امر مبارزه با تروریسم یاری می‌رساند، اما این دو کشور حضور همیشگی امریکا در این منطقه را هرگز بر نمی‌تابید؛ زیرا کشورهای عضو شانگهای، شک و تردیدهای زیادی پیرامون اهداف امریکا با حضور در افغانستان داشتند. در این دوره، روسیه و چین به این باور بودند که امریکا افزون بر اهدافی که به‌ظاهر در راستای مبارزه علیه تروریسم دنبال می‌کند، بدون شک، یک سری اهداف منطقه‌ای را نیز به‌خصوص در قبال منطقه‌ی اوراسیا دنبال می‌کند. گسترش حضور امریکا در کشورهای آسیای مرکزی که عملاً جزو حیات خلوت روسیه به حساب می‌رود، ترویج لیبرال دموکراسی در منطقه و تنگ کردن حلقه‌ی محاصره برای کشورهای روسیه و چین به عنوان قدرت‌های نوظهور نظامی و اقتصادی، از جمله اهدافی است که امریکا در منطقه دنبال می‌کند. با توجه به این‌که افغانستان محور اصلی نفوذ امریکا در منطقه بود، کشورهای اصلی عضو سازمان از جمله چین و روسیه برای بیرون راندن امریکا از افغانستان تلاش‌های گسترده‌ای را انجام دادند.

اکنون پس از خروج کامل نیروهای غربی از افغانستان، باز هم افغانستان برای شانگهای یکی از کشورهای مهم به‌شمار می‌رود. کشورهای عضو سازمان هم‌کاری شانگهای، نگران حضور داعش در افغانستان به عنوان یک پروژه‌ی غربی است که به‌منظور ناامن‌سازی روسیه، چین و کشورهای آسیای مرکزی ایجاد شده و از طریق افغانستان قرار است به این کشورها صادر شود. به این دلیل، افغانستان برای سازمان هم‌کاری شانگهای اهمیت روزافزونی یافته است.

۲/۵. جایگاه ژئواکونومیک افغانستان

سرزمین افغانستان، نقطه‌ی اتصال آسیای میانه به جنوب آسیا و شرق آسیا به خاور میانه و در نهایت به اروپا است. جایگاه افغانستان در مناسبات اقتصادی منطقه اهمیت بنیادی دارد و بدین لحاظ است که کشورهای عضو سازمان شانگهای توجه ویژه‌ای را به افغانستان دارند. این کشور مسیر ترانزیت اموال تجارتي میان بخش‌های مختلف منطقه است. در حال حاضر، چندین پروژه‌ی منطقه‌ای قرار است از طریق افغانستان اجرا شود. پروژه‌ی کاسا ۱۰۰۰، پروژه‌ی تایی و احیای جاده‌ی ابریشم از مهم‌ترین این پروژه‌ها است که حجم بزرگی از دادوستد تجارتي را در سطح منطقه به خود اختصاص می‌دهد. بدون شک، این پروژه‌ها نه تنها برای افغانستان بلکه برای کل کشورهای منطقه از اهمیت اساسی برخوردار است و اجرای آن می‌تواند چشم‌انداز جدیدی را در حوزه‌ی اقتصاد منطقه به وجود آورد.

با در نظر داشت این‌که سازمان شانگهای تلاش می‌کند در کنار مسایل امنیتی، هم‌کاری‌های اقتصادی در منطقه را به عنوان یکی از فعالیت‌های عمده‌اش برگزیند، عضویت افغانستان در این سازمان به افغانستان فرصت استفاده از برنامه‌های اقتصادی زیربنایی منطقه‌ای؛ مانند کمربند راه ابریشم جدید چین را به‌دست می‌آورد. برای ترانزیت زمینی مسیری جز آسیای مرکزی، افغانستان و پاکستان برای چین و اعضای شانگهای نیست. این موضوع به‌ویژه با توسعه‌ی شبکه‌ی اتصالات ریلی ایران و آسیای مرکزی و نیز افغانستان (با افتتاح خط آهن خواب - هرات) نقش راهبردی در آینده‌ی تعاملات ایفا خواهد کرد (میرفخرایی، ۱۴۰۱: ۱۵۹).

۳. ارزیابی نقش سازمان در افغانستان

چنان‌چه بیان شد، افغانستان اهمیت زیاد برای سازمان هم‌کاری شانگهای دارد، اما نقش و عمل‌کرد این سازمان مهم بین‌المللی در افغانستان، متأثر از شرایط داخلی سازمان و حضور قدرت‌مند امریکا و سازمان نظامی ناتو است. در حالی‌که اعضای قدرت‌مند سازمان رویکردهای مختلفی نسبت به قضایای افغانستان دارد، حضور ایالات متحده امریکا در این

فصل نام‌های

علمی - تحقیقی رنا
شماره (۱)
بهار ۱۴۰۴ هـ

کشور نیز، عرصه‌ی کنش‌گری سازمان هم‌کاری شانگهای در افغانستان را نیز تنگ‌تر کرده است. بدین لحاظ، در بیست سال گذشته، سازمان هم‌کاری شانگهای نقش برجسته در تحولات افغانستان نداشت. با توجه به اهمیت افغانستان برای شانگهای، این سازمان از ابتدای تاسیس، مسایل مربوط به افغانستان را زیر نظر قرار داده و نسبت به آن واکنش‌هایی را انجام داده است.

۳/۱. ایجاد گروه تماس شانگهای - افغانستان

در نخستین اقدام، سازمان هم‌کاری شانگهای در سال ۱۳۸۴ ه.ش، افزون بر امضای موافقت‌نامه‌ی هم‌کاری با این کشور، به‌منظور بحث و بررسی زمینه‌های هم‌کاری مشترک، هم‌کاری در مسایل امنیتی و اقتصادی، گروه تماس هم‌کاری شانگهای - افغانستان را تاسیس کرد. پروتکول گروه تماس به عنوان چارچوب حقوقی هم‌کاری مشترک مورد توافق افغانستان و کشورهای عضو قرار گرفت. در این پروتکل دو طرف توافق کردند تا «در چهارچوب صلاحیت خویش، تماس‌های کاری را برای جلوگیری، تشخیص و محو تروریسم و سایر سازمان‌های تروریستی، تجزیه‌طلبی و افراط‌گرایی و هم‌چنان فعالیت‌های جنایی فراملیتی که گمان می‌رود توسط این سازمان‌ها پیش برده شود، انجام دهند» (وزارت عدلیه ج.ا.ا، ۱۳۹۵: ماده ۱).

این تحول درست زمانی اتفاق افتاد که دیدگاه ایالات متحده آمریکا نسبت به سازمان هم‌کاری شانگهای تغییر کرد. در حالی که جورج بوش نسبت به سازمان‌های منطقه‌ای از جمله سازمان هم‌کاری شانگهای، دیدگاه منفی داشت، بارک اوباما باور دارد که حل مشکل افغانستان بدون مشارکت قدرت‌های منطقه امکان‌پذیر نیست. در این دوره کشورهای غربی به این نتیجه رسیده‌اند که قدرت‌ها و سازمان‌های اصلی منطقه در افغانستان منافع حیاتی دارند و در تامین امنیت و ثبات در این کشور نقش کلیدی و اساسی باید ایفا کنند (بیات، ۱۳۹۱: ۶۷). به باور آنان، ناتو در «محیط امنیتی آسیای مرکزی به عنوان محیط امنیتی پیرامون افغانستان نیازمند هم‌کاری و هم‌گرایی امنیتی - راهبردی کشورهای عضو سازمان هم‌کاری شانگهای است که بتواند در پیش‌برد ثبات و امنیت مطلوب خود موفق باشد» (امینی، ۱۳۸۸: ۴۶). بنابراین، این دوره را می‌توان آغاز هم‌کاری اعضای سازمان شانگهای با ایالات متحده آمریکا و ناتو در افغانستان خواند.

۳/۲. ایجاد ساختار ضد تروریسم

بر اساس ماده‌ی دهم منشور، ساختار منطقه‌ای ضد تروریسم توسط کشورهای عضو سازمان برای مبارزه با تروریسم، جدایی‌طلبی و افراط‌گرایی در تاریخ ۱۳۸۰ ه.ش ایجاد شد. آژانس مذکور، کامل‌ترین تشکیلات سازمان هم‌کاری شانگهای بوده و سال یک‌بار برای تعیین راهکارهای مبارزه با تروریسم تشکیل جلسه می‌دهد. این مرکز از دو بخش شورا و کمیته‌ی اجرایی تشکیل یافته است (سلیمان‌پور؛ آخشی، ۱۳۹۴: ۱۳۴).

این نهاد، در سال‌های اخیر، اقدامات مهم در راستای مبارزه با تروریسم انجام داده است. برپایی رزمایش‌های نظامی دو جانبه و چندجانبه از سال ۱۳۸۱ ه.ش تا کنون با هدف مقابله با تهدیدات تروریستی از جمله‌ی این تلاش‌هاست. در همین رابطه بزرگ‌ترین رزمایش نظامی دولت‌های عضو به نام «ماموریت صلح ۱۳۸۶ ه.ش» در خاک روسیه برگزار شد. دبیر کل سازمان هم‌کاری شانگهای در سال ۱۳۸۶ ه.ش، گفت: «اصلی‌ترین وظیفه‌ی سازمان در شرایط حاضر، تشدید اقدامات کشورهای عضو برای مبارزه و سرکوب تروریسم، جدایی‌طلبی و افراط‌گرایی در منطقه است» (معین‌الدینی و انتظارالمهدی، ۱۳۸۸: ۲۸۰). در ادامه‌ی این عمل‌کردها، سازمان تلاش کرد در مرز افغانستان، مانورهای نظامی مشترک برگزار و فعالیت‌های مشکوک تروریستی را خنثی کند. بر اساس گزارش نشست سی‌ونهمین کنفرانس علمی و عملی ساختار منطقه‌ای ضد تروریسم در ۱۶ عقرب ۱۴۰۲ ه.ش، سرویس‌های استخباراتی کشورهای عضو این سازمان، از ۶۹ حمله‌ی تروریستی جلوگیری کردند. هم‌چنین، ۵۰۷ عضو و هم‌دستان سازمان‌های تروریستی را شناسایی و ۷۳ هسته‌ی تروریستی مخفی را نیز سرکوب کرده‌اند (Afghanistan International, 1402). ساختار ضد تروریسم سازمان هم‌کاری شانگهای تلاش داشت، نقش موثر در صلح و ثبات افغانستان ایفا کند، اما در این عرصه ناکام شد. با وجود تمام تلاش‌ها،

فصلنامه‌ی

علمی - تحقیقی رنا
شماره ۱
بهار ۱۴۰۴

اختلافات درونی و بی‌اعتمادی میان اعضای سازمان، مانع از ایفای نقش موثر این نهاد به عنوان ابزار هم‌کاری چندجانبه و مشارکت در صلح و بازسازی افغانستان شد (Omelicheva, 1400).

۳/۳. واکنش به سقوط حکومت جمهوری

پس از سقوط حکومت جمهوری اسلامی افغانستان، سیاست اعضای سازمان هم‌کاری شانگهای نسبت به حکومت جدید، مبهم و چندپهلوی بوده است. اعضای سازمان هم‌کاری شانگهای در قبال افغانستان پس از این تحول، دیدگاه واحد نداشته و هرکدام موضع‌گیری‌های خاصی داشته و به دنبال تأمین منافع خاص هستند. مجموعاً نگاه اعضای سازمان به افغانستان را می‌توان به پنج بخش تقسیم کرد: یکم، سیاست حمایت‌گرانه: این نوع نگاه عمدتاً در سال اول قدرت‌گیری مجدد امارت اسلامی، توسط پاکستان تعقیب می‌شد، اما پس از به وجود آمدن اختلاف میان امارت اسلامی و حکومت پاکستان در رابطه به نحوه‌ی تعامل با تحریک طالبان پاکستان، دولت پاکستان موضع انتقادی به خود گرفته هر از چندگاهی علیه دولت امارت اسلامی موضع‌گیری جدی دارد. دوم، نگاه اقتصادی: این نوع نگاه را چین بیش‌تر تعقیب می‌کند و در تلاش برای نفوذ اقتصادی و هم‌چنین استخراج منابع طبیعی و معادن افغانستان است. رویکرد اقتصادی چین به نحوی بوده است که این کشور در دو سال حکومت امارت اسلامی، کم‌تر به مباحث دموکراتیک و تشکیل دولت فراگیر از سوی آنان پرداخته، بل که بیش‌تر روی هم‌کاری‌های اقتصادی متمرکز کرده است (اصغری، ۱۴۰۱). سوم، نگاه امنیتی: کشورهای آسیای میانه به عنوان اعضای فعال شانگهای، نگاه امنیتی تهدیدمحور به افغانستان فعلی دارند. دغدغه‌های کلان امنیتی نگرانی همیشگی آن‌ها از زمان تسلط امارت اسلامی بوده است. چهارم، تأکید بر تشکیل دولت فراگیر: برخی کشورها دیدگاه‌شان نسبت به وضعیت فعلی افغانستان انتقادی است و خواهان تشکیل دولت فراگیر در افغانستان هستند. به‌طور نمونه: نریندرا مودی نخست‌وزیر هند که در نشست مجازی سازمان هم‌کاری شانگهای در ماه سرطان سال ۱۴۰۲ ه.ش سخن می‌گفت، نسبت به افغانستان ابراز نگرانی کرده و افزود: وضعیت افغانستان بر امنیت همه‌ی ما تأثیر مستقیم دارد. نگرانی‌ها و انتظارات هند درباره‌ی افغانستان مانند تمام کشورهای عضو سازمان هم‌کاری شانگهای همسان است. ما باید برای رفاه مردم افغانستان تلاش‌های مشترک انجام دهیم. کمک‌های بشردوستانه به افغان‌ها، ایجاد حکومت فراگیر، پیکار در برابر هراس افگنی و قاچاق مواد مخدر، اطمینان از تأمین حقوق زنان، کودکان و اقلیت‌ها، اولویت‌های مشترک ماست» (سایت طلوع‌نوز، ۱۴ سرطان ۱۴۰۲) در بیانیه‌ی پایانی نشست ۱۴۰۲ ه.ش سازمان هم آمده است: کشورهای عضو، ایجاد یک دولت فراگیر در افغانستان با مشارکت نمایندگان تمام گروه‌های قومی، مذهبی و سیاسی در جامعه‌ی افغانستان را ضروری می‌پندارند (Deutsche Welle, 1402).

در مصاحبه‌ی دبیر کل سازمان هم‌کاری شانگهای در سال ۱۴۰۰ ه.ش نیز، نگرانی‌های اعضای سازمان هم‌کاری شانگهای در مورد افغانستان بیان شده است: «برای افغانستان بسیار ضروری است که یک دولت فراگیر با مشارکت اقوام، مذاهب و نیروهای سیاسی مختلف ایجاد کند. ما هم‌چنین منتظر استقرار افغانستان به عنوان یک کشور صلح‌آمیز بدون تروریسم و مواد مخدر هستیم» (SCO, 1401). پنجم، به رسمیت شناختن حکومت جدید: گرچه تمام اعضای سازمان هم‌کاری شانگهای به نحوی حکومت جدید افغانستان را به صورت «دفاکتو» به رسمیت شناخته است، اما جمهوری فدراتیو روسیه اولین کشوری است که حکومت امارت اسلامی را به صورت کامل و رسمی مورد شناسایی قرار داده است. بر اساس اعلامیه‌ی وزارت امور خارجه‌ی امارت اسلامی، دیمیتری ژیرنوف، سفیر روسیه در کابل، پنج‌شنبه، ۱۲ سرطان ۱۴۰۴ ه.ش، در دیدار با آقای امیر خان متقی، تصمیم مسکو درباره‌ی به رسمیت شناختن «امارت اسلامی افغانستان» را رسماً ابلاغ و بر ادامه‌ی هم‌کاری آن کشور با افغانستان در امر تقویت امنیت منطقه‌ای و مبارزه با تروریسم و مواد مخدر تأکید کرده است (روزنامه‌ی اطلاعات روز، ۱۲ سرطان ۱۴۰۴). بنابراین، اعضای سازمان هم‌کاری شانگهای، باوجود تمایل شدید به داشتن روابط سیاسی و اقتصادی با افغانستان، اما سیاست واضح و روشن در قبال این کشور نداشته و در این زمینه نتوانسته تا یک موضع‌گیری واحد و جدی داشته باشند.

۳/۴. محدودیت‌ها و چالش‌های سازمان در افغانستان

با وجود ظرفیت‌ها و توانایی سازمان هم‌کاری شانگهای، این نهاد مهم منطقه‌ای نتوانسته نقش بارز و ارزشمند در صلح و ثبات در افغانستان داشته باشد. این سازمان با چالش‌ها و محدودیت‌های متعدد در افغانستان مواجه است که مهم‌ترین آن‌ها قرار زیر است: یکم، حضور و نفوذ ایالات متحده آمریکا در افغانستان: حضور گسترده سیاسی، نظامی و اقتصادی ایالات متحده آمریکا در افغانستان (۱۳۸۰ - ۱۴۰۰)، یکی از موانع مهم برای تحقق اهداف سازمان هم‌کاری شانگهای در افغانستان بوده است. اگرچه هم‌کاری سازمان با ایالات متحده و نیروهای ناتو در افغانستان آغاز شد، اما به دلیل سیاست ضد هژمونی شانگهای در قبال ایالات متحده و نگرانی آمریکا از توسعه نفوذ چین و روسیه در آسیای مرکزی، این هم‌کاری هرگز نهادینه نشد. اعضای سازمان هم‌کاری شانگهای هم‌واره به دنبال کاهش نیروهای آمریکا و ناتو در افغانستان بودند (یزدان‌پناه درو، ۱۳۸۸: ۵۸). رهبران این کشورها بارها تاکید کردند که خواستار یک افغانستان توسعه‌یافته، مستقل، بی‌طرف و دارای ثبات سیاسی و امنیتی است (کولایی و تیشه‌یار، ۱۳۹۱: ۷۰). این موضع‌گیری‌ها، مانع تحقق هم‌کاری میان آمریکا و اعضای سازمان هم‌کاری شانگهای در افغانستان شده و از نقش برجسته‌ی سازمان در افغانستان جلوگیری کرد. دوم، تضاد منافع اعضای سازمان: با توجه به تضاد منافع اعضای مهم سازمان، هر کدام در قبال افغانستان موضع‌گیری خاصی را دنبال کردند. در حالی که روسیه، نگاه امنیتی به سازمان شانگهای دارد، چین از این طریق می‌خواهد نفوذ اقتصادی و سیاسی خود را توسعه دهد. اگرچه روابط پکن و مسکو در اوج خود قرار دارد، اما افزایش نفوذ چین در منطقه تحت عنوان مبارزه با تروریسم، به‌ویژه در قلمرو سنتی نفوذ روسیه، ممکن است در بلندمدت موجب تنش شود (The Soufan Center، ۱۴۰۰). در عین حال، افزون بر موجودیت تضاد منافع میان سایر اعضا، هند و پاکستان نیز رقابت و منازعه‌ی دیرینه‌ی خود را به نحوی درون سازمان انتقال داده‌اند. این موارد، سبب می‌شود که سازمان نتواند در مسایل افغانستان موضع‌گیری واحد و جدی داشته باشد. سوم، محدودیت در ظرفیت اجرایی سازمان: سازمان هم‌کاری شانگهای باوجود داشتن ساختارهایی مانند نهاد منطقه‌ای ضد تروریسم، فاقد سازوکارهای اجرایی قوی برای مشارکت در بحران‌های افغانستان است. این سازمان چه در دوران جمهوری و چه دوران امارت اسلامی، بیش‌تر بر هم‌کاری اطلاعاتی، هماهنگی در تمرینات نظامی و صدور بیانیه‌های سیاسی تمرکز دارد، تا اقدامات میدانی مستقیم یا نظامی. این امر مانع جدی فرا راه سازمان در افغانستان است.

بنابراین، نقش سازمان هم‌کاری شانگهای در افغانستان بازتابی از هویت‌های جمعی، ساختارهای اجتماعی و ادراکات امنیتی اعضاست. تضاد منافع و عدم انسجام هنجاری بین اعضای شانگهای، موجب شده است که این سازمان نتواند نقش فعال و موثر در تحولات افغانستان ایفا کند. برای موفقیت در این عرصه، سازمان نیازمند بازتعریف هویت جمعی و ایجاد هنجارهای مشترک در قبال افغانستان است. تنها از این طریق است که شانگهای می‌تواند به عنوان یک بازیگر تاثیرگذار در افغانستان عمل کند.

نتیجه‌گیری

موقعیت ژئوپلیتیک افغانستان و چالش‌های امنیتی و اقتصادی آن، سازمان هم‌کاری شانگهای را به یکی از بازیگران مهم، اما نه تعیین‌کننده در تحولات این کشور تبدیل کرده است. با وجود تلاش‌های اولیه‌ی این سازمان برای ایفای نقش فعال در افغانستان، حضور ناتو و ایالات متحده و نیز اختلاف نظر میان اعضای سازمان، مانع تحقق کامل اهداف آن شده است. تضاد منافع و نبود اجماع سیاسی در درون سازمان، موجب شده تا اقدامات این نهاد در قبال افغانستان با محدودیت‌هایی روبه‌رو گردد. با این حال، به نظر می‌رسد که تعامل سازنده میان افغانستان و سازمان هم‌کاری شانگهای، می‌تواند به تامین منافع کشورهای عضو و بهبود وضعیت افغانستان منجر شود. با توجه به این تحلیل، برای ارتقای نقش و تاثیرگذاری سازمان هم‌کاری شانگهای در افغانستان، راهکارهای زیر قابل طرح است:

نخست، تقویت هم‌کاری‌های امنیتی: ایجاد سازوکارهای موثر برای مقابله با تهدیدات مشترک مانند تروریسم و افراط‌گرایی. دوم، حمایت از دولت با ثبات: تاکید بر شکل‌گیری یک حکومت پاسخ‌گو و توانمند در افغانستان. سوم، توسعه‌ی اقتصادی و زیرساخت‌ها: سرمایه‌گذاری مشترک در پروژه‌های زیربنایی برای کاهش فقر و افزایش پیوندهای

فصل نام‌هی

علمی - تحقیقی رنا

شماره (۱)

بهار ۱۴۰۴ هـ.ش

اقتصادی. چهارم، گفت‌وگوهای دیپلماتیک: حمایت از گفت‌وگوی مستقیم و سازنده میان کشورهای عضو و ساختار حاکم کنونی در افغانستان برای کاهش تنش‌ها. اجرای این اقدامات می‌تواند جایگاه سازمان هم‌کاری شانگهای را به عنوان یک بازیگر موثر در روند تحولات افغانستان تثبیت کرده و زمینه‌ساز بهبود پایدار در این کشور گردد.

منابع

الف: فارسی

- (۱) اصغری، محمدجواد (۱۴۰۱)، افغانستان چه جایگاهی در سازمان شانگهای دارد؟ قابل دریافت در پیوست زیر:
<https://af.sahartv.ir/news/analysis-۱۹۹۱۶>
- (۲) امینی، آرمین (۱۳۸۸)، تعاملات راهبردی ناتو و کشورهای عضو سازمان هم‌کاری شانگهای؛ ابعاد و چشم‌اندازها، مجله علوم سیاسی: تحقیق‌نامه‌ی روابط بین‌الملل، شماره‌ی ۴۱، صص ۳۳-۴۸.
- (۳) انصاری کارگر، علیرضا (۱۴۰۳)، بررسی نقش سازمان هم‌کاری شانگهای بر هم‌گرایی منطقه‌ای امارت اسلامی افغانستان. فصل‌نامه‌ی علمی - تحقیقی غالب، سال ۱۳، شماره‌ی سوم، صص ۶۷-۸۹،
<https://doi.org/10.58342/ghalibqi.V.13.I.3.5>
- (۴) انوری، حمیدرضا (۱۳۸۰)، نگاهی به شکل‌گیری سازمان شانگهای، فصل‌نامه‌ی مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز - چاپ دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، شماره‌ی ۳۴، صص ۶۳-۸۱.
- (۵) بلیتسا، الینا و فوسکینی، فابریزیو (۱۴۰۲)، ممنوعیت مواد مخدر توسط طالبان: دستور کار امارت در مبارزه با مواد مخدر چیست؟، قابل دریافت در پیوست زیر: <https://www.afghanistan-analysts.org/dari-pashto/reports/enviroment-socio-economic-۲۹۲>
- (۶) بیات، محمود (۱۳۹۱)، تعامل ناتو و سازمان هم‌کاری شانگهای در افغانستان، مجله‌ی علوم سیاسی: ره‌آورد سیاسی، سال دهم، شماره‌ی ۳۷-۳۸، صص ۶۱-۷۱
- (۷) حاجی‌یوسفی، امیرمحمد و الوند، مرضیه سادات (۱۳۸۷)، ایران و سازمان هم‌کاری شانگهای: هژمونی و ضد هژمونی، مجله‌ی علوم سیاسی: تحقیق‌نامه‌ی علوم سیاسی، شماره‌ی ۱۰، صص ۱۶۳-۲۷۲
- (۸) حسینی، سید عباس (۱۳۹۶)، اهمیت و جایگاه افغانستان برای سازمان هم‌کاری شانگهای، قابل دریافت در پیوند زیر:
<https://www.iess.ir/fa/analysis/۲۹۲>
- (۹) خلیلی، محسن و زارعی‌هدک، معصومه (۱۳۹۰)، بازشناسی سازمان هم‌کاری شانگهای بر بنیان نسل سوم نظریه‌ی منطقه‌گرایی، فصل‌نامه‌ی سازمان‌های بین‌المللی، سال اول، شماره‌ی سوم، صص ۱۲۱-۱۵۰
- (۱۰) رحمانی تیرکلایی، حسین (۱۴۰۲)، دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران به مثابه‌ی قدرت نرم. فصل‌نامه‌ی علمی مطالعات قدرت نرم، دوره‌ی ۱۳، شماره‌ی سوم، صص ۵۱-۶۶
- (۱۱) رحمانی موحد، مرتضی و انوری، حمیدرضا (۱۳۸۷)، سازمان هم‌کاری شانگهای، چشم‌انداز به سوی جهان دو قطبی، تهران، ناشر: وزارت امور خارجه
- (۱۲) روزنامه‌ی اطلاعات روز (۱۴۰۴)، روسیه حکومت طالبان را به رسمیت شناخت، بازیابی در پیوست زیر:
<https://www.etilaatroz.com/234686/russia-recognizes-taliban-regime/>
- (۱۳) سازمند، بهاره (۱۳۸۴)، تحلیلی سازه‌نگارانه از هویت ملی در دوران جنگ تحمیلی، فصل‌نامه‌ی مطالعات ملی، سال ششم، شماره‌ی دوم، صص ۳۹-۷۰
- (۱۴) سلیمان‌پور، هادی و آخشی، مسعود (۱۳۹۴)، تحلیل مقایسه‌ای رفتار ناتو و سازمان هم‌کاری شانگهای در آسیای مرکزی از سال ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۱، فصل‌نامه‌ی آسیای مرکزی و قفقاز، شماره‌ی ۹۰، صص ۱۱۹-۱۵۱
- (۱۵) قوام، عبدالعلی و جاودانی مقدم، مهدی (۱۳۸۶)، بررسی سازه‌نگارانه‌ی بنیادهای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، فصل‌نامه‌ی خط اول، سال اول، شماره‌ی سوم، صص ۹۱-۱۰۴
- (۱۶) کوزه‌گر کالجی، ولی (۱۳۹۰)، دورنمای تغییر عضویت افغانستان از ناظر به اصلی در سازمان هم‌کاری شانگهای، قابل دریافت در پیوند زیر: لینک
<http://irdiplomacy.ir/fa/news/1991294>
- (۱۷) کولایی، الهه (۱۳۸۵)، سازمان شانگهای و امنیت آسیای مرکزی، مجله‌ی تحقیق علوم سیاسی، شماره‌ی سوم، صص ۲۹-۴۶.
- (۱۸) کولایی، الهه و تیشه‌یار، ماندانا (۱۳۸۱)، نقش امنیت‌ساز سازمان هم‌کاری شانگهای در پیرامون افغانستان، فصل‌نامه‌ی مطالعات آسیای مرکزی، شماره نهم، صص ۶۱-۸۴
- (۱۹) مارش، دیوید و استوکر، جری (۱۳۹۰)، روش و نظریه در علوم سیاسی، مترجم: امیرمحمد حاجی‌یوسفی، چاپ ششم، تهران، نشر تحقیق‌کده‌ی مطالعات راهبردی.

فصل‌نامه‌ی

- ۲۰) معین‌الدینی، جواد و انتظارالمهدی، مصطفی (۱۳۸۸)، بررسی تطبیقی سازمان هم‌کاری شانگهای بر اساس جامعه‌ی امنیتی آدلر و بارت، فصل‌نامه‌ی علمی تحقیقی علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، شماره‌ی ۸-۹
- ۲۱) میرفرخایی، سید حسن (۱۴۰۱)، جایگاه آسیای مرکزی و افغانستان در مشارکت راهبردی ایران و چین، فصل‌نامه‌ی علمی مطالعات روابط بین‌الملل، دوره‌ی ۱۵، شماره‌ی اول، صص ۱۴۳-۱۶۴
- ۲۲) هادیان، ناصر (۱۳۸۰)، سازه‌انگاری، از روابط بین‌الملل تا سیاست خارجی، فصل‌نامه‌ی سیاست خارجی، سال ۱۷، شماره‌ی چهارم، صص ۷۰-۴۵
- ۲۳) وزارت عدلیه‌ی جمهوری اسلامی افغانستان، پروتوکول میان ساختار منطقوی ضد تروریستی سازمان هم‌کاری شانگهای و وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی افغانستان در خصوص هم‌کاری بر ضد تروریسم، تجزیه‌طلبی و افراط‌گرایی، جریده‌ی رسمی، ۲۳ حوت ۱۳۹۵.
- ۲۴) یزدان‌پناه درو، کیومرث (۱۳۸۸)، سازمان هم‌کاری شانگهای و دلایل امنیتی امریکا، مجله‌ی جغرافیا: نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، شماره‌ی پنجم، صص ۵۳-۶۱

ب: انگلیسی

- 25) Shanghai Cooperation Organization (2002), *Charter of the Shanghai Cooperation Organization*. <https://eng.sectsc.org/20010615/1625948.html>
- 26) Ministry of Foreign Affairs of Iran (n.d.). [Economic and regional cooperation with SCO], <https://economic.mfa.ir/portal/newsview/701092>
- 27) Shanghai Cooperation Organization (2017), [SCO's cooperation with Afghanistan] <https://eng.sectsc.org/20170109/192193.html>
- 28) TOLONews (n.d.), <https://tolonews.com/fa/afghanistan-184047>
- 29) Afghanistan International, (2023, November 7) <https://www.afintl.com/202311072349>
- 30) Islamic Republic News Agency (IRNA), (n.d.), <https://www.irna.ir/news/84473839>
- 31) VOA News. (2023, July 24), *Iran seeks boost as SCO member but faces domestic, organizational hurdles, analysts say*, <https://www.voanews.com/a/iran-seeks-boost-as-sco-member-but-faces-domestic-organizational-hurdles-analysts-say/7182733.html>
- 32) Omelicheva, M. Y (2021) *The Shanghai Cooperation Organization and Afghanistan: Old fears, old barriers to counterterrorism cooperation*, Italian Institute for International Political Studies (ISPI), <https://www.ispionline.it/en/publication/shanghai-cooperation-organization-and-afghanistan-old-fears-old-barriers-counterterrorism-cooperation-31398>
- 33) The Soufan Center (2021), *IntelBrief: The Shanghai Cooperation Organization turns its focus to Afghanistan*, <https://thesoufancenter.org/intelbrief-the-shanghai-cooperation-organization-turns-its-focus-to-afghanistan/>
- 34) Shanghai Cooperation Organization, (n.d.) *Official website*, <https://www.sectsc.org>

فصل‌نامه‌ی

علمی - تحقیقی رنا

شماره (۱)

بهار ۱۴۰۴هـ